

## فاتالیسم و عوامل مؤثر بر آن

سنجش میزان فاتالیسم در زنان مناطق شهری کشور\*

### چکیده:

در مقاله حاضر که براساس بخشی از اطلاعات مأخوذه از طرح بررسی رفتار سیاسی زنان کشور تدوین و تنظیم گردیده است به سنجش فاتالیسم و عوامل مؤثر بر آن پرداخته شده است. با استفاده از روش پیمایش و با کاربرد تکنیک پرسشنامه پرداخت شده اطلاعات مورد نظر در این تحقیق جمع آوری گردیده است. جامع آماری تحقیق را کلیه زنان بالغ ساکن در مراکز استان های کشور که طبق سرشماری سال 1375 حدود 8582323 نفر است تشکیل می دهد. براساس قواعد تعیین حجم نمونه 9500 نفر از زنان بالغ ساکن در مراکز استان های کشور به طریق نمونه گیری تسهیم به تناسب حجم نمونه (PPS) و براساس حجم جمعیت زنان 15 سال به بالا ساکن در مراکز استان ها انتخاب شده اند.

در پرتو مبانی نظری و الگوی تحقیق ضمن تدوین شش فرضیه که ناظر بر روابط

متغیرهای تابع و مستقل بود از طریق ساخت مقیاس سنجش فاتالیسم، احساس کارآمدی سیاسی و احساس بیقدرتی سیاسی اندازه گیری شدند. جهت احتساب روایی مقیاس ها و شاخص ها از آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده گردید. در تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات و نیکویی بر ارزش و تناسب مدل نظر از تست کای اسکوار T-Test تحلیل عاملی، تحلیل واریانس، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج حاصله از آزمون فرضیات تحقیق و نیکویی بر ارزش مدل تحلیلی نشان می دهد:

فاتالیسم و احساس کارآمدی سیاسی بطور معکوسی همبسته اند، بطوریکه با افزایش

میزان احساس کارآمدی سیاسی در زنان، میزان فاتالیسم نیز افزایش می یابد.

- با افزایش SES زنان، میزان فاتالیسم آنان کاهش می یابد.

- میزان فاتالیسم زنان برحسب سطح تحصیلات آنان تغییر می کند.

\* مقاله حاضر براساس گزارش نهایی طرح مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران به شماره طرح 2102016/1/01 تحت عنوان «سنجش رابطه میان احساس کارآمدی سیاسی، احساس بیقدرتی سیاسی و فاتالیسم در زنان بالغ مناطق شهری کشور که در زمستان 1384 هـ. ش در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام یافته است تدوین و ارائه گردیده است.

\*\* دانشیار گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران  
mohsenitabrizi@yhoo.com

- میزان فائلیسم زنان بر حسب منشأ جغرافیایی آنان تغییر می کند.
- میزان فائلیسم زنان بر حسب وضعیت تأهل آنان تغییر نمی کن
- میزان فائلیسم زنان بر حسب وضعیت فعالیت اقتصادی آنان تغییر می کند.

با توجه به نیکویی برازش مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نتایج حاصله نشان میدهد که بر حسب ارزش بتا (Beta)، متغیرهای SES، سن، سطح تحصیلات، منشأ جغرافیایی، احساس خود اثر بخشی و کارآمدی سیاسی و احساس بیقدرتی سیاسی به عنوان عوامل اثر گذار بر میزان فائلیسم زنان مطرح اند.

واژگان کلیدی:

فائلیسم، واقعیت جغرافیایی، احساس بیقدرتی سیاسی، SES و احساس خود اثر بخشی سیاسی

### مقدمه

مطالعات متعددی در نیم قرن گذشته کوشیده اند تا عوامل اثرگذار بر رفتار سیاسی را در گروهها و طبقات مختلف جوامع بررسی کنند. انگیزش به رفتار سیاسی و میل به مشارکت در فرآیندهای سیاسی در برخی نظریه ها و دیدگاهها (لیپست<sup>1</sup> 1968، آلموند<sup>2</sup> و وربا<sup>3</sup> 1973، لوین<sup>4</sup> 1973، سیلز<sup>5</sup> 1974، دال<sup>6</sup> 1974، آندرین<sup>7</sup> 1985، گمسون<sup>8</sup> 1988، پرچرون<sup>9</sup> 1998، نواک<sup>10</sup> 2000) متأثر از عوامل متعددی در نظر گرفته شده است که برخی از آن عوامل ماهیتاً اجتماعی<sup>11</sup> و برخی نیز اصالتاً روانی<sup>12</sup> و درونی اند.

برخی از عوامل اثر گذار بر رفتار سیاسی به عنوان متغیرهای تقویت کننده<sup>13</sup>، احتمال شرکت و فعالیت فرد را در جریانات و امور سیاسی افزایش داده و برخی نیز در مقابل انگیزش به رفتار سیاسی را در او چون عامل بازدارنده ای<sup>14</sup> کاهش می دهند.

برخی از محققین به طور اخص به بررسی تأثیرات عناصر خرده فرهنگ جامعه سنتی بر رفتار اجتماعی و سیاسی پرداخته و کوشیده اند رابط میان این عناصر و رفتار سیاسی را تبیین کنند. سرنوشت گرای (فائلیسم) یکی از عناصر خرده فرهنگ جامعه سنتی است که در تدقیقات و تحقیقات

<sup>1</sup> - Lipset

<sup>2</sup> - Almond

<sup>3</sup> - Verba

<sup>4</sup> - Lewin

<sup>5</sup> - Sills

<sup>6</sup> - Sahl

<sup>7</sup> - Andarin

<sup>8</sup> - Gamson

<sup>9</sup> - Percheron

<sup>10</sup> - Nowak

<sup>11</sup> - Social

<sup>12</sup> - Psychological

<sup>13</sup> - Protective

<sup>14</sup> - Punisher

مع الوصف اغلب این تحقیقات در جوامع غربی<sup>14</sup> و عمدتاً صنعتی انجام یافته اند و ایقان<sup>15</sup> علمی در باب فATALیسم و رفتار سیاسی، علی الخصوص رابطه فATALیسم و احساس خودآثربخشی سیاسی و احساس بی قدرتی و فتورت سیاسی در جوامع نظیر جامعه ایران وجود ندارد. از این رو سنجش میزان تقدیرگرایی (فATALیسم) و عوامل مؤثر بر آن در يك جامعه غیر غربی می تواند به تکرار<sup>16</sup> تحقیقات در این زمینه و نیز وارس و چك<sup>17</sup> یافته های پیشین و اعتبار بخشی<sup>18</sup> به آن یافته ها كمك نماید.

#### طرح و بیان مسئله

فATALیسم<sup>19</sup> که در فارسی تقدیرگرایی یا سرنوشت‌گرایی معنی شده است یکی از اعتقادات و باورهای گروهی به شمار می‌آید. بزعم جامعه شناسان علی الخصوص در سنت جامعه‌شناسی پارادایم<sup>20</sup> واقعیت اجتماعی<sup>21</sup> و مکتب ساختی - کارکردی<sup>22</sup>، باورها و ایستارهای انسانی پدیده‌های اجتماعی و محصولات زندگی جمعی محسوب می‌شوند که زیر نفوذ ساختارهای اجتماعی<sup>23</sup> پدید می‌آیند. از این منظر فرهنگ به مثابه واقعیتی اجتماعی که در بیرون از فرد قرار دارد و به گفته دورکهایم<sup>24</sup> (13 - 1950:4)، اقتداری آمرانه بر او اعمال می‌کند، نظامی الگودار و سازمان یافته‌ای از نمادهاست که هدف‌های اجتماعی و هنجارها (قواعد رفتار) را در اعضاء تبلیغ و ترویج نموده و کنش افراد را جهت هم‌نوایی نهایی نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد. هر فرهنگ حاوی تعدادی «ارزش گروهی»

- 
- 1 - Lipset
  - 2 - Manfred
  - 3 - Flores- Ortiz
  - 4 - Peck
  - 5 - Guerrero
  - 6 - Byrd
  - 7 - Cohen
  - 8 - Gonzalez
  - 9 - Parada
  - 10 - Cortz
  - 11- Miller
  - 12 - Political Efficacy
  - 13 - Political Powerlessness
  - 14 - Western Societies
  - 15 - Certainty
  - 16 - Replication
  - 17 - Verification
  - 18 - Validation
  - 1 - Fatalism
  - 2 - Paradigm
  - 3 - Social Fact
  - 4 - Structural - Functionalism
  - 5 - Social Structurs
  - 6 - Durkheim

فانیسم به مثابه اعتقادی گروهی همه امور و پدیده‌ها را در حیات اجتماعی فرد به کارکرد نیروها و عوامل ماوراء الطبیعه و متافیزیکی<sup>2</sup> نسبت می‌دهد. در فرهنگ برخی اجتماعات خصوصاً در جوامع سنتی، جوامع دهقانی و جوامع باستانی اعتقاد به فانیسم به عنوان باور گروهی سبب شده است که افراد احساس کارآمدی شخصی<sup>3</sup> بسیار نازلی داشته و نقش خود را در موقعیت در یک کار یا رسیدن به هدف و نتیجه‌ای ارزشمند نادیده انگارند. این خود سبب کاهش سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌های افراد در جامعه گردیده و به پایین آمدن انگیزه‌های افراد جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب در زندگی و کاهش انگیزه‌های قوی اقتصادی و جاه طلبی برای پیشرفت فردی کمک کرده است.

در مطالعه فراشدهای سیاسی نیز که سهم افراد در فعالیت‌های سیاسی و میزان تأثیراتی که آنان بر جریان‌ها و روند امور سیاسی می‌گذارند بررسی می‌گردد، فانیسم با احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی یعنی ارزیابی فرد از توانایی خود در نیل به اهداف سیاسی مورد انتظار<sup>4</sup> و پیش بینی نتایج حاصله و نیز احساس بی‌قدرتی یعنی احساس فردی که قادر به نفوذگذاری بر جریان‌ها و امور سیاسی نیست همبستگی دارد.

(راجرز 1966، لوین 1973، مانفرد 1976، کارستیرز 1985، گمسون 1988، آلون 1991، فلورس اورتیز 1994، پک و گوررو 1997، بیرد، کوهن، گونزالس، پارادا و کورتز 1999

و میلر 2000)

تحقیقات متعددی (راجرز 1966، سیمین 1958، کارستیرز 1985، لوین 1973، گمسون 1988، لین<sup>5</sup> 1969، شوارتز<sup>6</sup> 1975، آلون<sup>7</sup> 1991) همبستگی میان احساس فانیسم و احساس کارآمدی سیاسی را معکوس و رابطه میان احساس فانیسم و احساس بی‌قدرتی سیاسی را مستقیم یافته‌اند. از این رو در مباحث مربوط به توسعه و نوسازی<sup>8</sup> سرنوشت‌گرایی به عنوان یکی از موانع فرهنگی عمده در راه توسعه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. بطوریکه در ادبیات توسعه خصوصاً در نظریه‌های متفرع از مکتب نوسازی، گروهی از صاحب‌نظران توجه خود را معطوف به موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه نموده و با وضع «نظریه موانع»<sup>9</sup>، مشکلات عمده بر سر راه نوسازی و دگرگونی ساختاری در جوامع انتقالی و در حال توسعه و مقاومت در برابر تغییر و نوآوری و پذیرش افکار

7 – Group Values

1 - Metaphysical

2 – Self- Efficacy

3 – Expected Political Goals

1 - Lane

2 - Schwartz

3 - Alwin

4 - Modrnization

5 – Obstacle Theory

(1980)،

روزن<sup>6</sup> (1964)، لرنر<sup>7</sup> (1958)، پتمن<sup>8</sup> (1988)، جاگار<sup>9</sup> (1992)، گیلیگان<sup>10</sup> (1999) با اشاره به مفهوم عناصر خرده فرهنگ دهقانی<sup>11</sup> کوشیده‌اند ضمن ربط علل توسعه نیافتگی برخی از مناطق جهان به نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی و فرهنگی، اعتبار تجربی نظریه خرده فرهنگ دهقانی را در برخی از مناطق جوامع سنتی تست کنند.

مقاله حاضر با استعانت از بخشی از اطلاعات<sup>12</sup> مأخوذ از يك پیمایش ملی تحت عنوان «سنجش رابطه میان احساس کارآمدی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی و فATALیسم در زنان بالغ مناطق شهری کشور»، می‌کوشد با سنجش میزان فATALیسم، ضمن ارزیابی نیکویی برازش<sup>13</sup> مدل نظری که در آن روابط میان فATALیسم و متغیرهای اثرگذار نمایش داده شده‌اند، فرضیاتی را که ناظر بر رابطه فATALیسم از برخی از متغیرهای زمینه‌ای<sup>14</sup> نظیر SES<sup>15</sup>، سن، وضعیت تأهل، منشاء جغرافیایی، سطح تحصیلات و وضعیت فعالیت اقتصادی و نیز رابطه فATALیسم با برخی متغیرهای روانی - اجتماعی نظیر احساس کارآمدی و اثر بخشی سیاسی و احساس بی‌قدرتی و فتورسیاسی است مورد آزمون و تست تجربی قرار دهد.

### مبانی نظری تحقیق

در اغلب مباحث نظری و تجربی مربوط به فATALیسم در حوزه های مختلف جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی و مردم شناسی، سرونش گرایي به عنوان نوعی باور و اعتقاد فرهنگی مطرح گردیده است که بنا به آن اولاً انسان موجودی ناتوان و با قابلیت‌های محدود در نقش بازی‌هایش به جهان پیرامونی و امور و وقایع اتفاقیه در زندگی در تصور آمده است و ثانياً درک او در باب ناتوانی‌ها و محدودیت‌هایش سبب می‌شود که وی به نوعی احساس فتور و بی‌قدرتی گرفتار آید و به عدم توانایی‌اش در باب شناخت علل و وقایع و پدیده‌ها، پیش بینی حدوث وقایع در زندگی و کنترل آینده وقوف یابد. اورت راجرز (1966) تقدیرگرایی(فATALیسم) را به درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم

6 - Rogers

7 - Tax

8 - Foster

9 - Lewis

10 - Redfield

1 - Rosen

2 - Lerner

3 - Pateman

4 - Jaggar

5 - Gilligan

6 - Sub-Culture of Peasantry

7 - Data

8 - Goodness of Fit

9 - Contextual Variables

10 - Socio- Economic Status

دهقانان «سرنوشت» را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت های خود می‌دانند. از آنجا که دهقانان معتقدند ستیز با طبیعت به منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است از این رو هر وقت خود یا همسایه‌شان در زندگی موفقیتی به دست آورند این امر را ناشی از مداخله قوای مابعدالطبیعه می‌دانند. وی معتقد است دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجهه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم و بردباری و نرمش و گریز می‌باشند. و در غایت نتیجه می‌گیرد که روحیه تقدیرگرایی یکی از عواملی است که پذیرش نوسازی و تغییر را در میان دهقانان مانع می‌شود.

لوی دهقانان و مردمان جوامع سنتی را مردمان مطیع و بی‌اراده، تقدیرگرا و صورت معرفی می‌کند. لویس معتقد است که تقدیرگرایی در میان دهقانان به ساخت مقتدرانه خانواده بستگی دارد که سبب می‌شود جوانترها افراد بی‌اراده و مطیع شوند، برعکس کارستیز وجود روحیه تقدیرگرایی را در میان دهقانان ناشی از اشاعه احساس نا امنی، یعنی احساسی که هیچ کس و هیچ چیز حتی به خود نمی‌توان تکیه کرد می‌داند. بنابراین در بدبختی‌ها و موفقیت‌ها تنها سرنوشت مورد سرزنش قرار می‌گیرد و یا اعتبار می‌یابد. (ازکیا، 1374: 59-60)

غور در اصول و مبانی نظری فATALیسم که توسط صاحب‌نظرانی نظیر راجرز، لویس، فاستر، تاکس، ردفیلد، مانفرد، روزن و دیگران تدوین و توسعه یافته است، نشان می‌دهد که فATALیسم یکی از عناصر عمده خرده فرهنگ دهقانی است. نظریه خرده فرهنگ دهقانی که در سنت جامعه‌شناسی حوزه واقعیت اجتماعی<sup>1</sup> و مکتب ساختاری - کارکردی آن خصوصاً نظریه کنش تالکوت پارسنز<sup>2</sup> عرضه گردیده است معتقد است ساختارهای اجتماعی و فرهنگی سازندگان اصلی شخصیت و رفتار انسان‌ها هستند و کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان می‌یابد و هنجارهای اجتماعی کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد. طبق این نظریه فرهنگ به عنوان یکی از چهار نظام تأثیرگذار بر کنش افراد متشکل از افکار، ارزش‌ها، هنجارها، باورها، مفاهیم ذهنی و سمبلیک، انگیزه‌ها و نگرش‌هاست که به مثابه نیروی عمده ای عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد و میانجی کنش متقابل میان کنشگران است. از این منظر فرهنگ نظام الگودار و سازمان یافته‌ای از نمادهاست که هدفهای جهت گیری کنشگران، جنبه‌های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد. (ریترز، 1372: 140 - 136)

خرده فرهنگ شامل بسیاری از عناصر فرهنگ کلی تری است که خود جزئی از آن است. (ازکیا، 1370: 54) مع الوصف هر خرده فرهنگ شامل بعضی از اعتقادات، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که در فرهنگ کلی تر وجود ندارد و یا در نزد سایر اعضاء آن جامعه، جز در نزد برخی از اقوام و یا گروه‌های آن، دیده نمی‌شود.

1 – Social Fact Paradigm

2 – Talcott Parsons

در درون هر يك از خرده فرهنگ‌ها اعضاء داراي ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و انگیزه‌هاي خاص و ساير عناصر مشترك هستند. بزعم نظریه پردازان نظریه خرده فرهنگ دهقانی این اشتراك كليدي جهت درك رفتار گروه<sup>1</sup> به شمار مي‌آیند. از نظر آنان ارزش‌ها به عنوان يکي از اجزاء فرهنگ مجرد<sup>2</sup> عبارتند از پيش فرضهاي نا آگاهانه و معنوي در مورد اینکه از لحاظ اخلاقي چه چيزي درست و طبيعي است. در واقع هر فرهنگي هدف‌هايي را ارزش مي‌دهد و از اعضاء خود مي‌خواهد که طرح زندگي اجتماعي خود را براساس آن اهداف پي‌ريزي نمايد. از این رو آنها، به عنوان راهنماهاي عمومي براي رفتار افراد بکار مي‌روند. (ازکيا، 1370 : 55).

هنجارها<sup>3</sup> سيستم‌هاي پاداش و مجازات محسوب مي‌شوند که اجرائي اصول و قواعد رفتاري

در هر جامعه را تضمين مي‌کنند. هنجارها از این منظر نمادهائي به حساب مي‌آیند که مورد توافق جمع هستند. منظور از نماد رفتاري شکل معيني از عمل است که بر معني خاص دلالت دارد. نماد رفتاري قراردادي است و دلالت آن به معني منوط به قرارداد جمع است. از این رو براساس باورهاي مشترك و نمادهاي قابل تفاهم کنش اجتماعي صورت مي‌گيرد و شکل معيني از عمل يعني هنجارها، نمادهاي قابل تفاهم هستند که کنش تحقيق بخشیدن به آن است. (محسني تبريزي، 1380 : 35-34).

نگرش‌ها يا وجهه نظرها<sup>4</sup> آمادگي ذهني فرد را براي انجام عملي نشان مي‌دهند. دوربا<sup>5</sup> و ماسيونيس<sup>6</sup> نگرش را وضع رواني که يك فرد به منظور عمل کردن برله يا عليه يك هدف معين به خود مي‌گيرد تعريف مي‌کند. (دوربا، 1974 : 24، ماسيونيس، 2000 : 435).

انگیزه‌ها<sup>7</sup> نیازها و علايق افراد را در باب انواع خاصي از فعاليتها نشان مي‌دهند. از این منظر شخصيت افراد نظام سازمان یافته‌اي از جهت گيري و انگيزش کنش کنشگر فردي است و لذا عنصر سازنده بنيادي شخصيت تمايل نيازي است. مع الوصف تمايلات نيازي به عنوان گرايش‌هايي که فطري هستند و طی فراگرد کنش به دست مي‌آیند تعريف شده اند. (محسني تبريزي، 1380 : 35).

بزعم نظريه پردازان نظریه خرده فرهنگ دهقانی این عناصر فرهنگي در شکل ارزش‌ها هنجارها، وجهه نظرها و انگیزه‌ها كليدهائي در درك رفتار افراد به شمار مي‌آیند. راجرز، از این رو معتقد است «درجریان دگرگوني و توسعه روستاها، شناخت و آگاهي از خصوصيات

فرهنگي دهقانان از اهميت به سزايي برخوردار است.» (ازکيا، 1370 : 54)

فاستر نیز مدعي است که براي اجرائي موفق هرگونه برنامه توسعه روستايي بايد به شناخت باورها، اعتقادات، خلقیات، روحيات و نگرش‌هاي افراي که این برنامه‌ها براي آنها اجرا مي‌شود پرداخت. (محسني تبريزي، 1379 : 75).

1 - Group Behavior  
2 - Spritual Culture  
3 - Norms  
1 - Attitudes  
2 - Dorba  
3 - Macionis  
4 - Motives

## تعریف مفهومی فالتالیسم

فالتالیسم که در زبان فارسی معادل سرنوشت‌گرایی، تقدیرگرایی، و قضا و قدرگرایی آورده شده است در تعریف مفهومی<sup>1</sup> راجرز وضعیتی فکری<sup>2</sup> است که در آن فرد درک نازلی از توانایی خود نسبت به کنترل آینده خود دارد (راجرز، 1966: 273).

به نظر راجرز دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می‌دانند و از آنجایی که دهقانان معتقدند که ستیز با طبیعت به منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است، هر زمان که خود یا آشنایان در زندگی به موفقیتی رسیدند آن را به کارکرد عوامل ماوراء الطبیعه و قوای متافیزیکی نسبت می‌دهند به نظر راجرز دهقانان در راستای کنترل حوادث آتی دارای وجه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم و بردباری، نرمش و گریز می‌باشند. راجرز نتیجه می‌گیرد که روحیه تقدیرگرایی یکی از عواملی است که پذیرش نوسازی و تغییر را در میان دهقانان مانع می‌شود. لوئیس (1960: 77). نیز معتقد است که فالتالیسم در میان دهقانان بر ساخت سنتی خانواده روستایی که ساختی مقتدرانه است بستگی دارد که سبب می‌شود جوانترها افرادی بی‌اراده، وابسته و مطیع تربیت شوند.

در مقابل کارسیترز (1985) وجود روحیه تقدیرگرایی را در میان دهقانان ناشی از اشاعه احساس ناامنی، یعنی احساسی که بر هیچکس و هیچ چیز حتی به خود نمی‌توان تکیه کرد می‌داند. از این رو در بدبختی‌ها و موفقیت‌ها تنها سرنوشت مورد سرزنش و یا تمجید قرار می‌گیرد. (ازکیا، 1370: 60)

مانفرد<sup>3</sup> (1976) سرنوشت‌گرایی را به عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی خاص جوامعی می‌داند که در آن، جامعه دارای برخی از ویژگی‌های زیر است:

- عرف<sup>4</sup> بر قانون<sup>5</sup> غلبه دارد.
- نظام اجتماعی - اقتصادی تولیدی در مرحله ما قبل صنعتی قرار دارد و روابط اجتماعی تولید منعکس کننده ارزش‌های فنودالیسم و نومدیسم است.
- تولید عمدتاً از نوع تولیداتی است که هنوز به مرحله تولید انبوه نرسیده است.
- حداقل تحرك طبقه ای و حرفه‌ای (شغلی) دیده می‌شود.
- روح جمعی بر اراده فردی رجحان دارد.
- حداقل تقسیم کار و تخصص در جامعه مشهود است.
- سطح سواد و آگاهی عمومی پایین است.
- عدم اطلاع از تاریخ امر بارزی است.
- انسجام اجتماعی از نوع مکانیکال است.

1 - Conceptual Definition

2 - State of Mind

1 - Monfred

2 - Ethos

3 - Law

- نوعی احساس ناتوانی، ناامیدی و بی‌قدرتی در برابر واقعیات حاکم همراه با نوعی تسلیم و رضا در جامعه حاکم است.

مانفرد ماتالیسم را خاص افراد بی‌سواد و کم‌سواد، طبقات پایین با مشاغل کشاورزی و

دامداری، مناطق روستایی و ایلاتی و نیز گروه‌های مذهبی قشری می‌داند.

مارش<sup>1</sup> (1956) نیز معتقد است بین سطح تحصیلات و سرنوشت گرایي يك رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچند سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد میزان سرنوشت گرایي او کمتر است. (محسنی تبریزی، 1379: 18).

### تقدیر گرایي در باورهای دینی

زمینه‌ها و ریشه‌های تاریخی فانیسم را برخی از صاحب‌نظران در باورهای دینی و نگرش‌های مذهبی جستجو کرده‌اند.

زینر<sup>2</sup> (1972) در اثر معروف خود بنام «زروان: يك معمای زرتشتی»<sup>3</sup> به دنبال ریشه‌های تاریخی تقدیرگرایی، کوشیده است که میان اعتقادات و تعلیمات آئین زروان و فانیسم رابطه‌ای برقرار سازد. بزعم زینر نگرش آئین زروان چون نگرش برخی از آئین‌ها، نگرشی لاهوتی به جهان است که در چارچوب آن فرد به نوعی خاص به پیرامون خود می‌نگرد. طبق این نگرش، موجودات جهان مادی توسط نیروهای ملکوتی اداره می‌شوند. نوع رابطه انسان با لاهوت و حتی نوع رابطه انسان با طبیعت را مذاهب به پیرامون خود می‌آموزند و بر این اساس پیروان خود را به کار و تلاش و یا زهد و ترک دنیا فرا می‌خوانند. (Zaehner, 1972; 63-4).

آیین زروان یکی از آئین‌های کهن ایرانی است که تأثیر بسیاری در باور و اندیشه ایرانیان داشته است. زروان در زبان فارسی باستان به معنای زمان است و زروانیسم کلمه‌ای است که غربی‌ها برای آئین «زمان خدایی» به کار برده‌اند. پیروان دین زروانی معتقد بودند که «غیر از زمان (دهر) همه چیز دیگر آفریده شده و آفریدگار اصلی زمان است و زمان را کرانه و آغاز و انجامی نیست و همیشه بوده و هست و خواهد بود و هر که را هوشی و خردی هستن نخواهد گفت زمان از کجا آمده و چه کسی او را بیافریده و اورمزد هر چه کند به یاری زمان تواند کرد و هر چیزی نیکی که اورمزد می‌بایست بیافریند زمان درنگ خدای از پیش آفریده بود.» (شهزادی، 1376: 3).

زوران پرستی بر پایه اعتقاد به نیروی غیر قابل تغییر سرنوشت استوار است. بر پایه این اعتقاد همه موجودات به راهی می‌روند از پیش مقدر است. چنین اعتقادی در بین مردمانی بوجود می‌آید که گرفتار ظلم و ستم بکدیگر و با سختی و بدبختی محیط زندگی خود گردیده باشند. (همان، ص 6).

نگاهی به شرایط اقلیمی محل سکونت اولیه آریایی‌ها (جنوب غربی سیبری) نشان می‌دهد که با یخبندان مداوم امکانات زیادی برای کشاورزی و دامپروری وجود نداشته است و بیشتر مردم غیر از غارت

1 - Marsh

1 - Zaehner

2 - Zurvan: A Zoroastrian Dilemma

زمان دقیق پیدایش آیین زروان مشخص نیست. گروهی آن را به دوره ساسانیان نسبت می‌دهند. عده‌ای نیز قدمت آن را قبل از زرتشت می‌دانند. برخی دانشمندان به علت بی‌توجهی به منافع تاریخی ایران، دین زروان پرستی را نوعی فرقه گرایي در درون آیین زرتشتی قلمداد کرده‌اند و آن را تا حد يك بدعت دینی پایین آورده‌اند (Zaehner, 1972; 72-3).

ظهور این کیش به احتمال زیاد به اوایل هزاره اول قبل از میلاد یعنی سه سده قبل از تاریخ مورد قبول برای ظاهر شدن زرتشت می‌رسد. در شاهنامه هم که یکی از موفق‌ترین سندهای دوران تاریخ نامکتوب ایران است، آشکارا ذکر شده که ایرانیان در زمان منوچهر زروانی بوده‌اند در حالی که ظهور زرتشت همزمان با پادشاهی گشتاسب است. این شواهد تاریخی نشان می‌دهند که زروان پرستی بر زرتشتی‌گری تقدم تاریخی داشته است و پایین آوردن آیین پرستش خدای زمان تا حد يك بدعت و فرقه گرایي زرتشتی نادرست است، بطوری که غوری در تعالیم زروان نشان می‌دهد که بین زروانیت و دین زرتشت حتی يك باور مشترك وجود ندارد. از این رو با قطعیت می‌توان گفت که این دو آیین جدا از هم بوده‌اند. (دولت‌آبادی، 1379: 76).

تاملی در تعالیم و اصول اعتقادی آیین زوران آشکار می‌سازد که زروانی‌ها رویدادهای زندگی را ناشی از تجاوز و تبعیض نمی‌دانند و بر این باورند که همه وقایع خواسته نیرویی فراسوی خوبی و بدی و مهر و کینه توزی است. توانگر توانگر است چون مشیت زروان چنین بوده و ناتوان ناتوان است زیرا بخت این گونه مقدر کرده است.

زروانی‌ها زیاده طلب نیستند زیرا کسی بیشتر از آن چه سهم اوست نمی‌تواند بخواهد و نمی‌تواند به دست بیاورد. این قناعت ضامن آن است که عمر در طلب و طمع تلف نشود.

در جامعه زروانی کسی احساس نمی‌کند که به حقوقش تجاوز شده است زیرا مردم به جای «حق» فقط «سهم» دارند. هر زورگو یا متجاوز، چون خود طبق مشیت زروان رفتار می‌کند به صورت جزئی از نظام کلی عالم پذیرفته می‌شود و لبه تیز تیغ ظلم احساس نمی‌شود.

زروانی‌ها از مرگ که ناشناخته‌ترین و هولناک‌ترین واقعه زندگی است، هراس نداشته‌اند چون مرگ در نظرشان جزئی از يك مشیت خوتای زمان است و در حقیقت نقطه نهایی راه زندگی است که لحظه لحظه و قدم به قدم طبق سرونوشت از پیش معین شده پیش می‌رود. بدیهی است این پندار، هولناکی مرگ را که تا حد بسیار زیادی ناشی از ناگهانی بودن و بی‌خبری آمدن آن است، از بین می‌برد.

زروانی‌ها دغدغه عذاب بعداز مرگ را ندارند چون اعمالشان در زندگی کاملاً مطابق با روال معین شده از سوی تقدیر است و برای رفتاری که بی‌اختیار و فقط پیروی از مشیت خوتا بگیرد و پاداش یا کیف وجود ندارد (دولت‌آبادی، 1379: 44-45).

در بررسی نفوذ اندیشه زروانی در ساختار فکری و اندیشه ایرانیان مسلمان برخی از محققین کوشیده اند که به تحلیل و تبیین نحوه نفوذ و تأثیر اندیشه زروانی در اندیشه ایرانیان مسلمان بپردازند.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پادشاهان ساسانی در جهت برپایی يك حکومت دینی واحد «بین آیین خودشان و زروان پرستی نوعی رویارویی دیده‌اند و تلاش کرده‌اند به باورهای زروانی نوعی ظاهر زرتشتی بدهند» (دولت‌آبادی، 1379: 76). هر چند در این دوره در زدودن مطالب زروانی از متن‌های دینی کوشش‌هایی به عمل آمد اما دانشمندانی که درباره اعتقادهای دینی ایرانیان در زمان ساسانیان تحقیق کرده‌اند همه براین باورند که بسیاری از مردم این سرزمین در آن عهد زروانی بوده‌اند» (همان، ص 108). حال این پرسش پیش می‌آید که چرا پادشاهان ساسانی با علم به اینکه اندیشه زروانی تا حدودی مشروعیت حکومت دینی واحد را به خطر می‌اندازد با پیروان این کیش مدارا کرده‌اند؟ شاهان زرتشتی ساسانی «خوب می‌دانستند که در همه عالم هیچ جماعتی به اندازه زروانی‌ها آماده تحمل زور و استبداد نیست. این مردم هر نوع بلایی را ناشی از مشیت بخت می‌دانستند و می‌پذیرفتند و دلیلی وجود نداشت که شاهان زرتشتی آنها را به زور به کیش خود در آورند و صاحب حق کنند.» (همان، ص 117).

پس شگفت نیست که در «مطالعه شاهنامه با دو جریان فکری ناسازگار مواجه می‌شویم. یکی ترغیب به کوشش و دوری از کاهلی و دیگری حاکم بودن سپهر و بخت بر سرنوشت انسان. این امر نشان می‌دهد که در اواخر دوره ساسانی، هر دو جریان فکری با هم اختلاط پیدا کرده است. (رکنی 1354، ندوشن 1345).

نکته قابل ذکر این که جامعه ساسانی، جامعه‌ای سخت طبقاتی بود. لذا ورود آزموده دست تقدیر به آیین زرتشت توسط پادشاهان، يك نوع تسلی خاطر کاذب برای مردم ایجاد کرده و تنش و تضاد ناشی از نابرابری را تا حدی کاهش می‌دهد و تحمل آن را برای مردم آسان‌تر می‌سازد.

گفتنی است با حمله اعراب و اسلام آوردن ایرانیان، آیین زروان در برابر آیین اسلام که به انسان اختیار و مسئولیت می‌داد دوام نیاورد و به افول گرایید. اما متأسفانه قسمتی از این کیش، یعنی اعتقاد به قدرت مطلق سرنوشت در ساختار فکری مسلمانان باقی ماند.

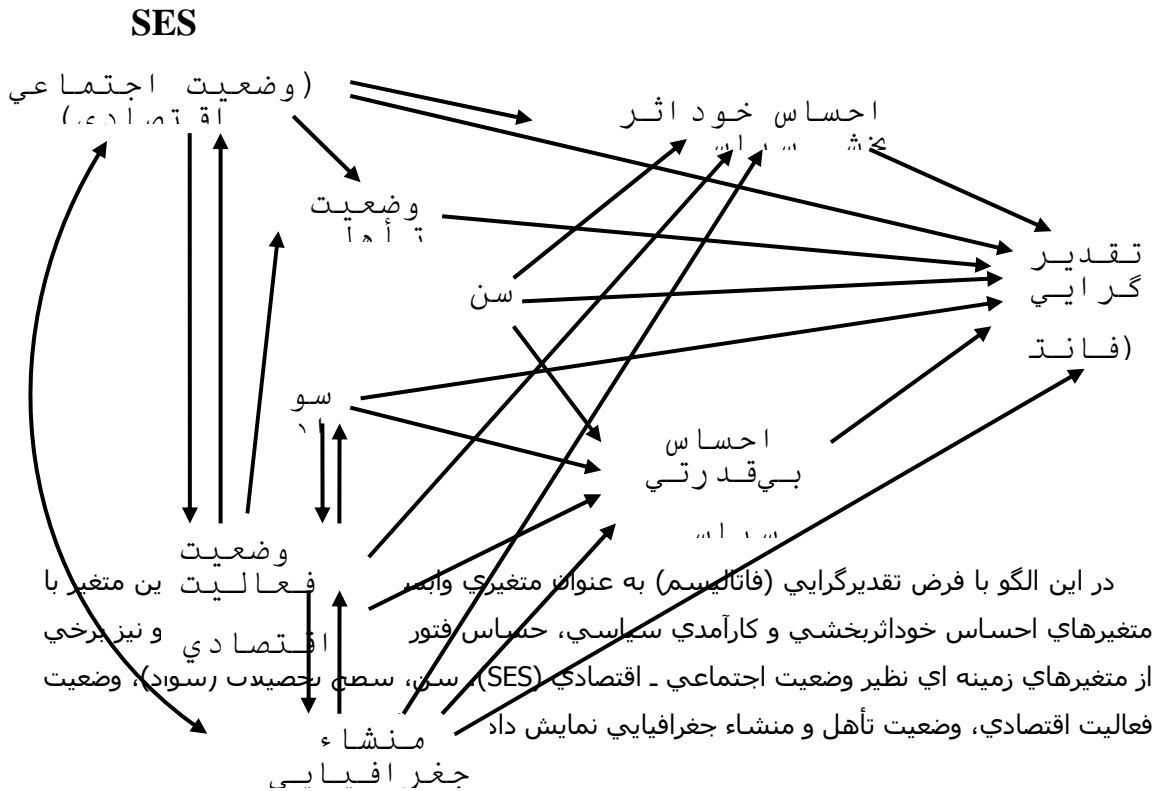
درباره نفوذ اندیشه زروانی به دنیای اسلام ریچارد فرای<sup>1</sup> ایران شناسی آمریکایی معتقد است که «پس از آمدن اسلام به ایران، دهقانان و بعضی از موبدان زرتشتی چون برای حفظ منافع خود به دین تازه گرویدند، معتقدات زروانی را درباره حاکمیت سپهر و چیرگی زمان به اسلام داخل کردند.» (رکنی و ندوشن، 1345 و 1354).

در مطالعه فراشدهای سیاسی که سهم افراد در فعالیت‌های سیاسی و میزان تأثیراتی که آنان بر جریان‌ات و امور سیاسی می‌گذارند بررسی می‌شود، تقدیرگرایی با احساس کارآمدی سیاسی یعنی ارزیابی فرد از توانایی خود در رسیدن به اهداف سیاسی و پیش‌بینی نتیجه مربوط به آن و نیز احساس بی‌قدرتی سیاسی یعنی احساس فردی که قادر به نفوذگذاری بر جریان‌ات و امور سیاسی نیست همبستگی دارد. این همبستگی با احساس کارآمدی سیاسی معکوس و با احساس فتور سیاسی

## الگوی نظری تحقیق

باعنایت به مبانی نظری و تجربی تقدیرگرایی (فائلیسم)، خصوصاً در پرتو نظریه های راجرز، فاستر، مانفرد، مارش، بیرد، کوهن، گونزالس، پارادا، کورتز، پک و گوررو، فلورس اورتیز و میلر و دیگران که در مبحث ادبیات تحقیق با اجمال بدانها اشاره شد، الگوی نظری در باب روابط میان متغیر تقدیرگرایی و هر یک از متغیرهای زمینه‌ای و نیز متغیرهای احساس کارآمدی سیاسی و احساس بی‌قدرتی سیاسی به مثابه متغیرهای روانی - اجتماعی تنظیم شده است:

### مدل نظری تحقیق



### فرضیات تحقیق<sup>3</sup>

- 
- 1 - Dependent Variable
  - 2 - Effect
  - 1 - Research Hypotheses

با توجه به منافع اخذ و فورمولاسیون فرضیه درعلم (تئوری‌ها، تحقیقات و مشاهدات و تجارب شخصی محقق)، فرضیه‌های تحقیق حاضر عمدتاً براساس نظریه‌ها و تحقیقات تجربی مرور شده و نیز مدل نظری تنظیم شده فرموله شده‌اند.

بااستعانت از مبانی نظری و مدل تئوریکال تحقیق هشت فرضیه که ناظر بر روابط میان فATALیسم، احساس کارآمدی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی و نیز رابطه متغیر تقدیرگرایی با برخی از متغیرهای زمینه‌ای هستند تدوین و فرموله شده‌اند. این فرضیات عبارتنداز:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد با افزایش میزان احساس کارآمدی سیاسی در آزمودنی‌ها، میزان تقدیرگرایی در آنان کاهش می‌یابد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد رابطه مستقیمی میان میزان فATALیسم (تقدیرگرایی) و احساس بی‌قدرتی سیاسی آزمودنی‌ها وجود دارد، به طوری که با افزایش میزان احساس بی‌قدرتی سیاسی پاسخگویان میزان تقدیرگرایی نیز در آنان افزایش می‌یابد.

فرضیه سوم: میزان فATALیسم در آزمودنی‌ها برحسب برخی از متغیرهای زمینه‌ای نظیر:

1- 3- وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES)

2- 3- سن

3- 3- وضعیت تأهل

4- 3- منشاء جغرافیایی

5- 3- سطح تحصیلات

6- 3- وضعیت فعالیت اقتصادی

تغییر می‌کند.

### روش شناسی (متدولوژی)

در سنجش میزان فATALیسم زنان بالغ مناطق شهری کشور عمدتاً براطلاعات ثانویه<sup>1</sup> که از پیمایش<sup>2</sup> ملی مشارکت سیاسی زنان در 28 مرکز استان کشور به دست آمده است تکیه شده است.

در مطالعه مشارکت سیاسی زنان در 28 مرکز استان کشور بر دو روش اسنادی و پیمایش به عنوان وارسته‌هایی از روش‌های توصیفی تکیه شده بود.

1 - Secondary Data

2 - Survey

در روش اسنادی که از طریق تحلیل اسناد، مدارک، اطلاعات موجود و اطلاعات ثانویه صورت می گیرد، محقق با تکیه بر اطلاعات در دسترس (حال یا گذشته) در باب پدیده‌ها و وقایع اجتماعی به تحلیل، تبیین، توصیف و استنتاجات منظم و علمی می‌پردازد.

پیمایش به عنوان شایع‌ترین و رایج‌ترین روش تحقیق و مطالعات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی یک روش پایه<sup>1</sup> است که نه تنها مطالعه جمعیت‌های بزرگ را در باب واقعیت‌های عینی و ذهنی آنان مقذور می‌سازد، بلکه امکان جمع‌آوری اطلاعات کثیر و وسیع در خصوص گروه‌ها و جمعیت‌های انسانی را فراهم ساخته به محقق اجازه می‌دهد، ضمن تحدید جمعیت آماری از طریق نمونه‌گیری به آزمون فرضیات متعدد دست‌یازیده و نتایج تحقیق را به کل جمعیت آماری تعمیم دهد.

### جامعه آماری، نمونه<sup>2</sup> و روش نمونه‌یابی<sup>3</sup>

جامعه (جمعیت) آماری تحقیق حاضر را کلیه زنان بالغ ساکن در مراکز استان‌های کشور تشکیل می‌دهد. این جمعیت براساس جمعیت 6 سال به بالای کشور و برطبق سرشماری رسمی کشور سال 1375 حدود 8582323 نفر است.

در تعیین حجم نمونه با استعانت از فرمول کوکران<sup>4</sup> و شارپ<sup>5</sup> 
$$n = \frac{p.q.t2N}{Nd2+p.q.t2}$$
 لازم بود و

اریانس صفت مورد مطالعه در جامعه (میزان مشارکت سیاسی) به عنوان متغیر جانی<sup>6</sup> در نظر گرفته شود و براساس آن درصدهای مربوط به p و q در فرمول کوکران و شارپ در سطح ملی محاسبه گردد. بدین منظور براساس آمار مربوط به وضعیت مشارکت سیاسی شهرستان‌های مرکزی استان‌های کشور در انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری (جدول شماره 1) درصدهای مربوط به p و q در سطح ملی محاسبه و نسبت به p و q تعیین گردید. براساس فرمول کوکران و شارپ حجم نمونه ملی برابر 9500 نفر تعیین شد.

در طرح بررسی مشارکت سیاسی زنان در مراکز استان‌های کشور که اطلاعات تحقیق حاضر براساس بخشی از اطلاعات طرح مذکور استوار است، مراکز استان‌های مورد مطالعه (28 مرکز استان کشور) به تناسب حجم جمعیت زنان 15 سال به بالا به 5 گروه تقسیم گردیدند. این گروه‌ها عبارتند از:

1. گروه اول شامل شهر تهران.
2. گروه دوم شامل شهرهای تبریز، مشهد، اصفهان و شیراز.
3. گروه سوم شامل شهرهای اهواز، قم و کرمانشاه.
4. گروه چهارم شامل شهرهای اراک، اردبیل، ارومیه، رشت، زاهدان، زنجان، قزوین، کرمان، همدان و یزد.

---

3 - Basic  
1 - Sample  
2 - Sampling  
3 - Cochran  
4 - Sharp  
5 - Proxi Variable

5. گروه پنجم شامل شهرهای ایلام، بندرعباس، بوشهر، خرم‌آباد، ساری، سمنان، سنندج، شهرکرد، گرگان و یاسوج.

پس از طبقه بندی مراکز استان‌ها برحسب حجم جمعیت زنان بالای 15 سال با استفاده از روش نمونه‌گیری تسهیم به تناسب حجم نمونه (PPS) و براساس حجم جمعیت طبقات پنجگانه 9500 نمونه مورد نظر انتخاب و به طور مساوی از طریق پرسشنامه تنظیمی مورد مطالعه پیمایشی قرار گرفتند.

### جدول شماره (1): جمعیت زنان 6 سال و بالاتر به تفکیک مراکز استان‌های کشور

#### براساس سرشماری سال 1375

ردیف	مراکز استان	آرای مأخوذه	تعداد افراد در سن	میزان
1	اراک	266960	389437	68/55
2	اردبیل	193077	396482	48/70
3	ارومیه	285980	519282	55/07
4	اصفهان	721962	1195160	60/41
5	اهواز	435292	762566	57/08
6	ایلام	92560	107112	86/41
7	بندرعباس	215390	306817	70/20
8	بوشهر	97856	136125	71/89
9	تبریز	516962	1140583	45/32
10	تهران	3000221	4879841	61/48
11	خرم‌آباد	212075	328130	64/63
12	رشت	350250	570048	61/44
13	زاهدان	198580	253640	78/29
14	زنجان	200221	282213	70/95
15	ساری	202690	316420	64/06
16	سمنان	82097	104239	78/76
17	سنندج	124807	253854	49/16
18	شهرکرد	150350	241702	62/20
19	شیراز	650971	1038205	62/70
20	قزوین	358231	462877	77/39
21	قم	428005	555944	76/99
22	کرمان	260269	416795	62/45
23	کرمانشاه	354235	600431	59/00
24	گرگان	189486	231682	81/79
25	مشهد	1211872	1462259	82/88
26	همدان	269169	412100	65/32
27	یاسوج	109082	139127	78/40
28	یزد	240933	28393	85/08

## تعاریف مفهومی<sup>1</sup> و عملیاتی<sup>2</sup> متغیرهای تحقیقی

### فائلیسم:

در تعریف مفهومی راجرز، سرنوشت گرایبی وضعیتی فکری است که در آن فرد درک نازلی از توانایی خود نسبت به کنترل آینده خود دارد (راجرز، 1966: 273).

در سنجش فائلیسم از طیف تعدیل شده<sup>3</sup> راجرز متشکل از سه گویه در فرم مقیاس لیکرت استفاده شده است. گویه‌های مقیاس فائلیسم عبارتند از:

- 1 - من فکر می‌کنم بخت و اقبال حرف اول را در هر کاری می‌زند.
- 2 - من فکر می‌کنم سرنوشت هر کسی از قبل تعیین شده است.
- 3 - من فکر می‌کنم زنان کمتر از مردان می‌توانند سرنوشت خود را تغییر دهند.

### احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی:

این مفهوم اشاره به انتظارات و ارزیابی‌های فرد از خود و توانایی‌هایش در موفقیت در امور سیاسی و رسیدن به نتایج و اهداف سیاسی ارزشمند از طریق فعالیت‌های فردی دارد.

در سنجش احساس کارآمدی سیاسی از طیف تعدیل شده باندورا، دمبو و گمسون استفاده

شده است این طیف متشکل از چهارگویه در فرم مقیاس لیکرت است:

- 1 - من فکر می‌کنم دانش، مهارت و توانایی لازم را جهت ورود به عرصه پیکار سیاسی دارا هستم.
- 2 - من فکر می‌کنم دانش و تجربه سیاسی من در حدی است که می‌توانم بر جریان‌های سیاسی اثرگذار باشم.
- 3 - من فکر می‌کنم با تجارب و مهارت‌هایم می‌توانم برای پیشبرد اهداف سیاسی نظام متمرثم باشم.
- 4 - من فکر می‌کنم روند تحولات جامعه به گونه‌ای است که زنان سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به خود اختصاص دهند.

---

1 - Conceptual Definition  
2 - Operational Definition  
3 - Modified

### احساس بی‌قدرتی سیاسی:

عبارت است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و او را به اهداف سیاسی که براساس او تجهیز گردیده رهنمون نیست.

جهت سنجش میزان احساس بی‌قدرتی از طیفی متشکل از چهارگویه در فرم مقیاس لیکرت شده است:

- 1 - من فکر می‌کنم زنان آن طور که باید قادر به بهبود وضعیت سیاسی خود نیستند.
- 2 - من فکر می‌کنم زنان هر قدر هم تلاش کنند باز هم نمی‌توانند در دنیای سیاست به نتایج مورد انتظار برسند.
- 3 - من فکر می‌کنم زنان چندان قادر نیستند قدرت سیاسی خود را افزایش دهند.
- 4 - من فکر می‌کنم زنان در تعیین بسیاری از رخدادهای زندگی خود نظیر ازدواج، بچه‌دار شدن، اشتغال، مالکیت و قدرت نقش زیادی ندارند.

### وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES):

SES شاخص تلفیقی مرکب از درآمد خانوار، سطح تحصیلات، وضعیت فعالیت، نمره منزلت شغلی و میزان مایملک و دارایی فرد نظیر مسکن، زمین و مانند آن است.

### روش جمع‌آوری اطلاعات و ابزار سنجش

با در نظر گرفتن تنوع و تعدد متغیرهای تحت مطالعه و نیز وسعت و گستردگی (حجم) جامعه مورد مطالعه و همچنین با در نظر گرفتن نوع روش تحقیق (پیمایش) از پرسشنامه‌های کتبی - حضوری و نیز پیمایش مصاحبه‌ای<sup>1</sup> جهت گردآوری اطلاعات مورد نظر تحقیق استفاده شد.

برای ارزیابی میزان اعتبار مفهوم فائلیسم، احساس کارآمدی سیاسی و احساس بی‌قدرتی

سیاسی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است.

در تنظیم اطلاعات و عرضه داده‌ها در فرم اطلاعات آماری و نیز نمایش کمی نتایج از متداول‌ترین ابزار و تکنیک‌های موجود در مجموعه آماری برای علوم اجتماعی<sup>2</sup> (SPSS) استفاده گردیده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات تحقیق نیز از تست کای اسکوار، آزمون تی، تحلیل واریانس و تحلیل عاملی استفاده شده است. جهت برآوردن نیکویی برازش<sup>3</sup> مدل نظری تحقیق نیز از رگرسیون چندگانه<sup>4</sup> و تحلیل مسیر<sup>1</sup> بهره گرفته شده است.

1 - Interview - Survey

1 - Statistical Package For Social Sciences

2 - Goodness of Fit

3 - Multiple Regression

نتایج تحلیل عاملی<sup>2</sup> و تحلیل روایی<sup>3</sup> مقیاس‌های تحقیق

نتایج تحلیل عاملی به دست آمده نشان می‌دهد که مقدار ویژه عامل به ترتیب برای متغیرهای فATALیسم، کارآمدی سیاسی و احساسی بی‌قدرتی سیاسی 1/74، 1/83، 2/47 و مقدار درصد واریانس تبیین شونده توسط این عامل به ترتیب برای این متغیرها 45/75، 58/1 و 61/8 محاسبه شده است که دلالت بر اعتبار قابل قبول مفاهیم مذکور دارد.

آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیرهای فATALیسم، کارآمدی سیاسی و احساس بی‌قدرتی سیاسی که مبین ضریب روائی مقیاس‌های بکار برده شده برای این متغیرهاست به ترتیب 0/64، 0/60 و 0/60 است که مبین روایی قابل قبول گویه‌های مقیاس‌های سنجیده است. (جدول شماره

## جدول شماره (2): نتایج آزمون تحلیلی عاملی گویه‌ها و آزمون روایی مقیاس

## سرنوشت‌گرایی، بی‌قدرتی سیاسی و کارآمدی سیاسی زنان

عامل‌ها	گویه‌ها	گویه‌ها عاملی بارهای	نسبت واریانس (درصد عمل)	آلفا (مقدار مقیاس ضریب روایی)	نمونه مورد آزمون	تعداد گویه‌ها
سرنوشت‌گرایی	1. من فکر می‌کنم بخت و اقبال (خوش شانسی) حرف اول را در هر کاری می‌زند. 2. من فکر می‌کنم سرنوشت هر کسی از قبل تعیین شده است. 3. من فکر می‌کنم زنان کمتر از مردان می‌توانند سرنوشت خود را تغییر دهند.	0/817 0/766 0/701	1/74 (58/1)	0/6373	4684	3
بی‌قدرتی	1 - فکر می‌کنم زنان هر قدر همتلاش کنند باز هم نمی‌توانند در دنیای سیاست به نتایج مورد انتظار برسند. 2 - فکر می‌کنم زنان هر قدر هم تلاش کنند باز هم نمی‌توانند در دنیای سیاست به نتایج مورد انتظار برسند. 3 - فکر می‌کنم زنان چندان قادر نیستند قدرت سیاسی خود را افزایش دهند. 4 - فکر می‌کنم زنان در تعیین بسیاری از رخدادهای زندگی خود نظیر ازدواج، بچه‌دار شدن، اشتغال، مالکیت و قدرت	0/85 0/84 0/75 0/69	2/47 (61/83)	0/7899	4633	4

4 - path Analysis

5 - Factor Analysis

6 - Reliability

4	4462	0/60	1/83 (45/75)	0/71	1 - فکر می‌کنم دانش، مهارت و توانایی لازم را جهت ورود به عرصه پیکار سیاسی دارا هستم.	کارآمدی و اثربخشی سیاسی زنان
				0/69	2 - فکر می‌کنم دانش و تجربه سیاسی من در حدی است که می‌توانم بر جریان‌های سیاسی اثرگذار باشم.	
				0/65	3 - فکر می‌کنم با تجارب و مهارت‌هایم می‌توانم برای پیشبرد اهداف سیاسی نظام متمرثمر باشم.	
					4 - فکر می‌کنم روند تحولات جامعه به گونه‌ای است که زنان سهم بیشتری از قدرت سیاسی را به خود اختصاص دهند.	

## یافته‌ها و نتایج

### 1 - خصوصیات فردی

از لحاظ ویژگی‌های دموگرافیک و جمعیتی زنان تحت مطالعه کم و بیش با نرم ملی تقارن و تشابه دارند. 60 درصد آنان بین سنین 15 الی 35 سال هستند. میانگین سنی آنان حدود 34 سال است. حدود 66 درصد متأهل‌اند. حدود 63 درصد آنان دارای منشاء شهری و 37 درصد دارای منشاء روستایی‌اند. از لحاظ سطح سواد، 14 درصد بیسواد، 19 درصد دارای تحصیلات در سطح دیپلم و فوق دیپلم و حدود 15 درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی (لیسانس و بالاتر هستند).

اکثریت قریب به اتفاق آنان (84 درصد) خانه دار و حدود 16 درصد به لحاظ اقتصادی فعال‌اند.

از لحاظ وضعیت اجتماعی اقتصادی (SES) 19 درصد زنان تحت مطالعه SES بالا، 49 درصد در SES متوسط و 32 درصد نیز در SES پایین قرار دارند.

### 2 - فائلیسم

سنجش میزان فائلیسم براساس مقیاس تعدیل شده سرنوشت‌گرایی راجرز نشان می‌دهد

که میزان فائلیسم در آزمودنی‌ها بالنسبه بالاست. به طوری که با توجه به رتبه بندی<sup>1</sup> نمرات حاصله از مقیاس سرنوشت‌گرایی، 45 درصد آزمودنی‌ها دارای فائلیسم بالا (H) هستند. در مقابل 33 درصد از پاسخگویان از حیث میزان سرنوشت‌گرایی در سطح متوسط و 23 درصد نیز در سطح پایین قرار گرفتند.

آمارهای مقیاس فائلیسم در جدول زیر ارائه شده است:

#### جدول شماره (3): آمارهای مقیاس فائلیسم

مقادیر

آماره های مقیاس

8/19	میانگین کل مقیاس
2/04	انحراف معیار
3	حداقل مقدار مقیاس
12	حداکثر مقدار مقیاس
0/6373	ضریب روایی مقیاس (Alpha)

### احساس کارآمدی سیاسی

اندازه‌گیری میزان احساس کارآمدی سیاسی زنان تحت مطالعه براساس مقیاس تنظیمی نشان می‌دهد که در بالغ بر نیمی از پاسخگویان (57 درصد) احساس کارآمدی سیاسی پایین است. حدود 32 درصد نیز از لحاظ میزان اثربخشی سیاسی در سطح متوسط قرار دارند. در مقابل تنها 11 درصد از آزمونه‌ای دارای احساس کارآمدی سیاسی بالا هستند. آمارهای مقیاس احساس خوداثربخشی سیاسی در جدول شماره 4 ارائه شده است:

#### جدول شماره (4): آمارهای مقیاس فائلیسم

مقادیر	آماره های مقیاس
11/63	میانگین کل مقیاس
1/91	انحراف معیار
4	حداقل مقدار مقیاس
16	حداکثر مقدار مقیاس
0/57	ضریب روایی مقیاس (Alpha)

### احساس بی‌قدرتی سیاسی

سنجش میزان احساس بی‌قدرتی سیاسی زنان تحت مطالعه براساس مقیاس تنظیمی نشان می‌دهد که حدود 23 درصد آزمودنی‌ها دارای احساس بی‌قدرتی سیاسی در حد بالا (H)، 27/2 درصد در حد متوسط (M) و 49/9 درصد نیز در حد پایین و خیلی پایین‌اند (L). آمارهای مقیاس احساس بی‌قدرتی سیاسی در جدول شماره 5 منعکس است:

## جدول شماره (5): آمارهای مقیاس فATALیسم

مقادیر	آماره های مقیاس
9/53	میانگین کل مقیاس
2/60	انحراف معیار
4	حداقل مقدار مقیاس
16	حداکثر مقدار مقیاس
0/7899	ضریب روایی مقیاس (Alpha)

## آزمون فرضیات تحقیق

- **فرضیه اول:** با افزایش میزان احساس کارآمدی سیاسی در آزمودنی‌ها، میزان تقدیرگرایی در آنان کاهش می‌یابد.

نتیجه حاصله از آزمون فرضیه فوق موید رابطه معنی‌دار (معکوس) میان احساس کارآمدی سیاسی و فATALیسم در جامعه تحت مطالعه است. یعنی:

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 21.3 \\ df = 4 \end{array} > \begin{array}{l} x^2_t \\ 9.49 \\ L.S = 0.05 \end{array}$$

یافته فوق با یافته‌های تحقیقات پیشین در باب رابطه معنی‌دار احساس کارآمدی سیاسی و فATALیسم (لین 1969، گمسون 1986، پتمن 1988، جاگار 1992، گیلیگان 1999 و اورباخ و فیگرت 1995) همخوانی و تناسب دارد.

- **فرضیه دوم:** با افزایش میزان احساس بی‌قدرتی سیاسی زنان میزان تقدیرگرایی نیز در آنان افزایش می‌یابد.

نتیجه به دست آمده از تست تجربی فرضیه فوق موید رابطه معنی‌دار (مستقیم) میان احساس بی‌قدرتی سیاسی و فATALیسم زنان است. یعنی:

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 27.3 \\ df = 4 \end{array} > \begin{array}{l} x^2_t \\ 9.49 \\ L.S = 0.05 \end{array}$$

این یافته، موید نتایج تحقیقات پیشین (گمسون 1986، جاگار 1992، کیمیلکا 1995 و گیلیگان 1999) در باب رابطه مستقیم احساس فتور سیاسی و تقدیر گرایی است.

- **فرضیه سوم:** میزان فATALیسم در آزمودنی‌ها برحسب برخی از متغیرهای زمینه‌ای تغییر می‌کند.

#### نتایج حاصله از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد:

- فATALیسم با وضعیت اجتماعی اقتصادی (SES) زنان رابطه معنی‌داری دارد، به طوری که با افزایش SES میزان فATALیسم زنان کاهش می‌یابد. یعنی:

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 2714.44.3 \\ df = 4 \end{array} > \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L. S = 0.05 \end{array}$$

یافته فوق با نتایج تحقیقات پیشین در باب رابطه معکوس SES و فATALیسم همخوانی دارد. (جاگار 1992، ساندرزفیلیپس 1996، گیلیگان 1999).

- میزان فATALیسم برحسب گروه‌های سنی تغییر معنی‌داری را نشان نداد.

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 2.33 \\ df = 4 \end{array} > \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L. S = 0.05 \end{array}$$

- میزان فATALیسم بر حسب وضعیت تأهل زنان تغییر نمی‌کند.

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 6.63 \\ df = 4 \end{array} > \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L. S = 0.05 \end{array}$$

- میزان فATALیسم بر حسب سطح سواد زنان تغییر می‌کند. بطوریکه با افزایش سطح تحصیلات زنان از میزان سرنوشت‌گرایی آنان کاسته می‌شود. یعنی:

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 20.5 \\ df = 4 \end{array} > \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L. S = 0.05 \end{array}$$

یافته فوق نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین (گمسون 1986، جاگار 1992، گیمیلیگا 1995، ساندرز فیلپ 1996) همخوانی دارد.

- میزان فATALیسم بر حسب منشاء جغرافیایی آنان تغییر می‌کند، بطوریکه در زنان دارای منشاء شهری و روستایی میزان فATALیسم متفاوت است. یعنی:

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 16.41 \\ df = 4 \end{array} \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S = 0.05 \end{array}$$

- میزان فATALیسم بر حسب وضعیت فعالیت اقتصادی زنان تغییر می‌کند، بطوریکه در زنان شاغل میزان سرنوشت‌گرایی به نحو چشمگیری نسبت به زنان غیر شاغل کاهش می‌یابد. یعنی:

$$\begin{array}{l} x^2 \\ 11.41 \\ df = 4 \end{array} \begin{array}{l} x^2t \\ 9.49 \\ L.S = 0.05 \end{array}$$

یافته فوق از نتایج تحقیقات انجام شده (گمسون 1986، پتمن 1988، جاگار 1992، اورباخ و فیگرت 1995) در خصوص رابطه فATALیسم و وضعیت فعالیت اقتصادی حمایت می‌کند.

### نیکویی برازش<sup>1</sup> نظری تحقیق

در تحقیق حاضر تقدیرگرایی (فATALیسم) به عنوان متغیر وابسته براساس مدل نظری تنظیمی و به منظور سنجش تأثیرات جمعی و همزمان هر یک از متغیرهای مستقل بر آن از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفته است. در بررسی نیکویی برازش مدل نظری تحقیق از تکنیک‌های پیشرفته آماری نظیر تحلیل عاملی<sup>2</sup> رگرسیون چندگانه<sup>3</sup> و تحلیل مسیر<sup>4</sup> به منظور طبقه بندی متغیرها و سنجش تأثیرات جمعی و همزمان متغیرهای مستقل (X) بر متغیر وابسته (Y) و نیز تحلیل روابط میان متغیرهای علی و تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم هر یک از آنها در مدل نظری استفاده شده است.

### تحلیل رگرسیون چندگانه متغیر فATALیسم

همانطوری که مدل نظری تحقیق نشان می‌دهد، متغیر تقدیرگرایی (فATALیسم) تحت تأثیر 8 متغیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES)، سطح تحصیلات، منشاء جغرافیایی، وضعیت فعالیت اقتصادی، سن، وضعیت تأهل، احساس خودآریخشی و کارآمدی سیاسی و احساس بی‌قدرتی سیاسی در نظر گرفته شده است.

1 - Goodness of Fit

2 - Factor Analysis

3 - Multiple Regression

4 - Path Analysis

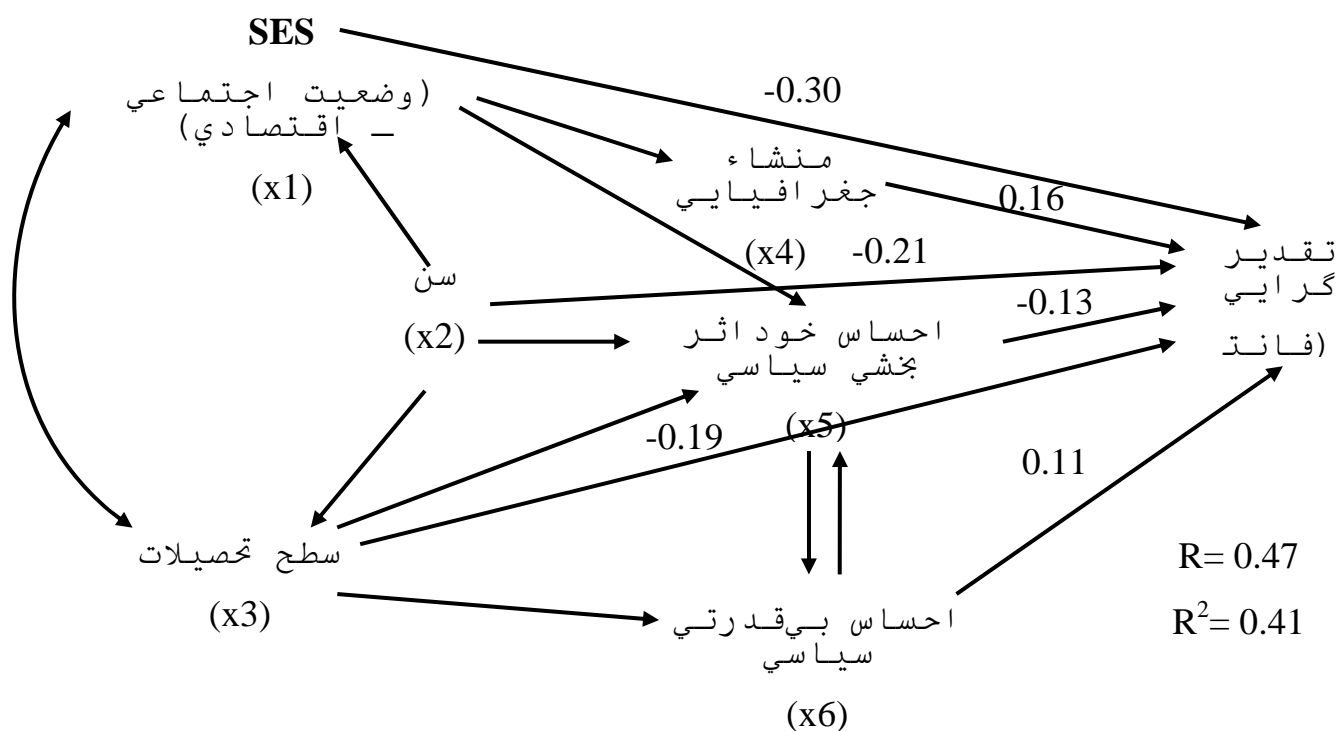
نتایج اجمالی معادله رگرسیون متغیر وابسته را با توجه به ضرایب بتا (Beta) (ضریب تأثیر متغیر مستقل)، R (ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره)،  $R^2$  (ضریب تعیین)، T (آزمون معنی‌داری حضور متغیر مستقل در معادله) و Sig T (میزان معنی‌داری) می‌توان به شرح زیر ارایه داد:

متغیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES) تعیین کننده‌ترین عامل تأثیرگذار بر تقدیرگرایی آنان رابطه دارد. این متغیر به میزان 30 درصد ( $Beta=0.307$ ) بر متغیر وابسته (فATALیسم) تأثیر داشته و در سطح معنی‌داری  $Sigt=0.001$  از نظر آماری تأثیر گردیده است. سپس به ترتیب متغیرهای سن با ارزش بتا 21 درصد ( $Beta=0.211$ )، سطح تحصیلات با ارزش بتا 19 درصد ( $Beta=0.195$ )، منشاء جغرافیایی با ارزش بتا 16 درصد ( $Beta=0.161$ )، احساس خودآثربخشی با ارزش بتا 13 درصد ( $Beta=0.138$ ) و احساس بی‌قدرتی سیاسی با ارزش بتا 11 درصد ( $Beta=0.119$ ) قرار دارند.

علاوه بر بررسی میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته و تعیین میزان کل تغییرات تقدیرگرایی زنان در جامعه مورد مطالعه که توسط مجموع متغیرهای مستقل بیان می‌گردد، با رسم دیاگرام مسیر مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرهای علت (X) را بر روی متغیر معلول (Y) بررسی نموده و از این طریق میزان متناسب بودن مدل نظری ارزیابی شده است.

براساس نتایج حاصله از مدل تبیینی تحلیل مسیر تقدیرگرایی زنان می‌توان استدلال کرد که این متغیر متأثر از عوامل مختلفی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر و به صورت مرکب و مجتمع قرارداد و کل تغییرات آن توسط مجموع متغیرهای مستقل (X) بیان می‌گردد. در این مدل متغیرهای وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES)، سن، سطح تحصیلات، منشاء جغرافیایی، احساس خودآثربخشی و کارآمدی سیاسی و احساس بی‌قدرتی سیاسی زنان بر متغیر وابسته (تقدیرگرایی زنان) تأثیر می‌گذارند. در این مدل فATALیسم (تقدیرگرایی) بازتابی از تأثیرات متقابل متغیرهای علت و منتج از مجموع بازخوردهای این عوامل است. براساس ارزش  $R^2$  که مجموع تأثیرات متغیرهای علت را نشان می‌دهد، علی‌مفروضه 41 درصد ( $R^2=0.412$ ) کل تغییرات متغیر تقدیرگرایی را تبیین می‌کنند:

#### دیاگرام تحلیل مسیر مؤثر بر فATALیسم زنان



## نتیجه گیری

مقاله حاضر که ناظر بر بخشی از یافته‌های پیمایش ملی در باب تقدیرگرایی زنان و مناسبات میان این متغیر و برخی از متغیرهای روانی - اجتماعی نظیر احساس کارآمدی سیاسی و احساس فتور و بی قدرتی سیاسی بود نشان داد که فATALیسم به عنوان یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی و جامعه سنتی و به مثابه نوعی باور فرهنگی، متأثر از ساختارهای اجتماعی، واقعیت‌ها و نیروهای روانی و اوضاع و شرایط فرهنگی است. در این تحقیق احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی و احساسی فتور و بی قدرتی سیاسی زنان با فATALیسم همبستگی معنی داری داشته و رفتار سیاسی آنان را تحت تأثیر قرار داده است، بطوریکه با افزایش فATALیسم، احساس بی قدرتی سیاسی که عامل تضعیف کننده مشارکت سیاسی است تقویت و احساس کارآمدی سیاسی که عامل تقویت کننده رفتار سیاسی است تضعیف می‌شود.

## فهرست منابع و مأخذ Bibliography

الف - منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی، مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات، 1370.
- اتکینسون، ریتال و اتکینسون، ریچاردز و هیلگارد، ارنست، زمینه روانشناسی. (ت محمد تقی براهنی و دیگران). تهران: رشد، 1373.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی، خیام و فردوسی، یغما، ش 3، 1354.
- ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه، تهران: رشد، 1377.
- دال، رابرت، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، انتشارات مرنديز، 1364.
- دو اس، دي اي، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی، 1376.
- دولت آبادی، هوشنگ، جای پای رزوان: خدای بخت و تقدیر، تهران: نی، 1379.
- راجرز، اورت، شومیکر، فلوید، رسانش نوآوری‌ها، ترجمه کرمی و فناپی، انتشارات دانشگاه شیراز، 1369.
- ریتزر، جرج، نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، 1372.
- رکنی، محمدمهدی، 1381، جبر و اختیار در آثار چندتن از شاعران، نشریه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی، شماره 15، مشهد: دانشگاه مشهد، 1354.
- شهرزادی، رستم، سیر تاریخ و تمدن در ایران باستان، نشریه هومن، سال 6 ش 12، ریال 1376.
- محسن تبریزی، علیرضا، بررسی ابعاد روانشناسی اجتماعی رفتار مرتعداران عضو نظام‌های بهره‌برداري از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان، وزارت جهاد، سازمان جنگل‌ها و مراتع، 1380.
- محسنی تبریزی، علیرضا، بررسی زمینه‌های روانشناسی اجتماعی اشتغال و فرهنگ کار، سازمان مرکزی تعاون روستایی، تهران 1379.

- محسنی تبریزی، علیرضا، بیگانگی: مفهوم سازی و گروه‌بندی تئوریهای بیگانگی در مکاتب جامعه‌شناسی و روانشناسی، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دوم، شماره 2، تابستان 1370.

#### ب - منابع لاتین

- Alwin, D, F., Political Attitudes Over the Life Span, Madison, WI: University of Wisconsin Press, 1991.
- Auerbach, J.D,& Figert, A. E. Sex Differences in Social Careers: Public Policy and Sociology, Journal of Health and Social Behavior, 1995, 36,115-131.
- Ajzen, I. And Fishbein, M. Understanding Attitudes and Predicting Social Behavior, Englewood Cliffs: New Jersey: Prentice- Hall, 1980.
- Byrd, T., Cohen, L.D., Gonzales, E., Parada, M. and Cortes, M., Social Class, Mexican Culture and Fatalism. American Journal of Community, 1999, 11, 383-399.
- Carstairs, M. G., The Twice- Born; A Study of A Community of High Caste Hindus, Bloomington, Indianan University Press, 1985.
- Dorba, D., The Nature of Attitude, N. Y., Penguin, 1974.
- Durkheim, E., The Rule of Sociological Methods, N. y. Glencoe, 1950.
- Foster, G. M. Peasant Society and Image of Limited Good, American Anthropologist, Vol. 67, No. 20, 1965.
- Flores- Ortiz, Y. G. The Role of Gender and Cultural Values in Voting Behavior. International Journal of Politics, 1994, 29, 149-171.
- Gamson, W., Power and Discontent, Chicago, Dorsey Press, 1986.
- Gilligan, Carol, In A Different Voice, Harward University Press, Cambridge, Mass, 1999.
- Jaggar, Alison, M., Feminist Politics and Human Nature, Rowman & Littlefield: Atlantic Highlands, NJ., 12992.
- Kymlicka, Will, Multicultural Citizenship- Oxford University Press; Oxford, 1995.
- Lane, R., Political Ideology, Torento, Free Press, 1969.
- Lerner, D., The Passing. Of Traditional Society, Glencoe; Free Press, 1958.
- Levin, M., "Political Alienation", in Man Alone by Josephson, E. and Josephson, M., N. Y., Mc Grow Hill, 1972.
- Lewis, D., Topoztlan: Village in Mexico, N. Y., Holt, 1960.
- Lipset, S. M., Political Man, N. Y., Mc Grow Hill, 1973.
- Macionis, John, J., Society, the Basics, Prentice Hall: New Jersey, 2000.

- Marsh, R. M., Comparative Sociology, N. Y., Harcourt and World, Inc., 1956.
- Monfred, Social Developmen, Little Brown and Company, 1976.
- Miller, R. F. Longitudinal Assessment of the Relationship Self-Esteem, Fatalism and Political Apathy. International Journal of Social Behavior, 2002,6, 749-770.
- Midgeley, J. Community Participation, London, Methuen, 1988.
- Nowak, N. Learning Values, In Value Consensus and Importance, by Schowartz, S. Journal of Cross-Cultural Psychology, Jul. 2000, Vol. 31. Issue 4. Calif, 1998.
- Pateman, Carole, the Sextual Contract, Stanford University Press: Stantord, Calif, 1998.
- Peck, R. F., and Guerrero, R. Tow Core-Culture Patterns and the Diffusion of Values Across Their Border. International Journal of Psychology, 1997, 2, 275-282.
- Percheron, A. Political Attitudes and Social Values of Youth and his parents in France. French Review, SS, 3. Feb. 1998. PP. 315-322.
- Rogers, E., Modernization Among Peasants, N. Y., Holt, 1966, 1969.
- Rosen, B, C., The Achievement Syndrome and Economic Growth in Brazil, Social Forces, Vol. 42, No. 3, 1984.
- Rosen, Michael and Wolff, Jonathan, Political Thought London, Oxford University Press, 2000.
- Sanders-Phillips, Kathy, The Ecology of Urban Violence, American Journal of Health Promotion, 1996, 10, 88-97.
- Schwartz, D., Political Alienation and Political Behavior, Chicago, Aldine, 1975.
- Seeman, M., On the Meaning of Alienation, American Sociogial Review (ASR). 24, 1959, PP 783-791.
- Sharp, V., Statistics for the Social Sciences, Boston: Little Brown and Company, 1984.
- Stipek, D., Weisz, J., "Pecieved Personal Control and Academic Acheivement", Review of Educational Research, 1981, 52: 101-37.
- Tax, S., Penny Capitalism, Chicago, Chicago University Press. 1963.
- Zaehner, G., Zurvan: A Zoroastrian Dilemma, New York. 1972